

تاریخچه حقوق شهروندی



علی اکبر گرجی
آژند رباتی
حقوقدان و استاد دانشگاه

قرن چهارم قبل از میلاد بود. بستر اجتماعی یونان مربوط به جامعه کوچک ارگانیک دولت شهر بود که در آنجا شهروندان هم به عنوان قانون گذار و هم به عنوان مجری عمل می کردند.

شهروندی در یونان باستان از اهمیتی اساسی برخوردار بود و از ارکان مهم زندگی فردی در جامعه یونان تلقی می شده است، تا جایی که حتی برای افرادی که به شهروندی برگزیده می شدند، مراسمی خاص برگزار می کردند. در شهروندی یونان حقوق و مسئولیت های شهروندی دارای ارزشی هم سنگ و هم پای یکدیگر بودند و هر شهروند علاوه بر برخورداری از حقوق شهروندی عهده دار باره ای از مسئولیت هائیز می شد که به منظور خدمت جامعه شهروندی به مسئولیتی جمعی و متقابل و در نتیجه پایدار تبدیل شده بود که متأثر از وضعیت دولت شهر و نگرش حاصل از آن بود.

پس از یونان، شهروندی برای دوره های طولانی اهمیت خود را از دست داد؛ اما وقوع انقلاب فرانسه و صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی منجر به احیای مجدد و طرح ایده دوباره حقوق شهروندی گردید.

انتر اسطو «سیاست» اولین تلاش نظام مند برای طرح مفهوم شهروندی است. او شهر را جامعه متشکل از شهروندان تعریف می کرد و دو معیار را برای به رسمیت شناختن عنوان شهروندی مورد توجه قرار داد: نخست آنکه شهروند کسی است که شایستگی عنوان تصدی منصبی را بسزای دوره نامحدود دارد، مانند نمایندگی مجلس و قضاوت؛ دوم آنکه شهروند کسی است که از پدر و مادری که عنوان شهروندی دارند زاده شده باشد.

پس از اسطو، میان فلاسفه و اندیشمندان سیاسی قرن هجدهم، ژان ژاک روسو بیش از همه به مفهوم شهروندی توجه کرده است. پیش از او جان لاک، در رساله دوم درباره حکومت مدنی بر حق مالکیت تکیه می کند و می گوید: «افراد مالا حق طبیعی برای

زندگی، آزادی و مالکیت دارند». منتسکیو بر اصالت قانون برای حفظ آزادی ها تأکید کرده است. و روسو در فصل چهارم کتاب قرارداد اجتماعی می گوید: «اگر هیئت حاکمه هیئت اجتماعی شخصیت حقوقی است که زندگی اش به اتحاد اعضایش بستگی دارد و اگر عمده ترین وظیفه آن حفظ و بقای خویش است، پس به نیرویی توانمند و سرکوبگر نیاز دارد تا بتواند هر بخشی از بخش های جامعه را به بهترین وجهی که متناسب آن باشد اداره کند نام آن حق حاکمیت است». روسو، سپس ادامه می دهد: از هر زاویه ای که به قرارداد اجتماعی بنگریم، همواره به نتیجه یکسانی می رسیم. قرارداد اجتماعی میان شهروندان چنان مساواتی برقرار می کند که همه آن ها تحت شرایط یکسانی متعهد و از حقوق یکسان برخوردار می شوند. بدین ترتیب، بر اساس قرارداد اجتماعی، هر عمل حاکمیت، یعنی هر عمل رسمی ناشی از اراده عمومی، به نحو یکسان همه شهروندان را متعهد و در عین حال منفعه می کند، به کیفیتی که هیئت حاکمه فقط کل ملت را می شناسد و هیچ یک از افراد تشکیل دهنده آن را بر دیگری برتری نمی دهد.

نقطه عطف در تحول مفهوم حقوق شهروندی و تصویب آن را باید در تحولات اروپا پس از قرون وسطی جستجو کرد. عدم رعایت حقوق بشر و اصول اولیه انسانی در آن دوران، باعث شد تا اروپاییان به فکر نگارش و اعلام آن بيفتند. اعلامیه «حقوق بشر و شهروندی» فرانسه در سال ۱۷۸۹ از اولین اسنادی است که در آن این موضوع توجه قرار گرفته است. به طور کلی سه دیدگاه اساسی درباره مفاهیم حقوق بشر و شهروندی وجود دارد: دیدگاه نخست که به هانتینگتون منسوب است، بر این نظر است که نگاه عمومی یک کشور بر کل کشورها غالب شود. از این منظر، الگوی آمریکایی حقوق بشر باید بر همه کشورها حاکم شود.

دیدگاه دیگر را امدر نیست ها دارند. انسان بر این عقیده اند که اصول حقوق شهروندی جهان شمول است و نمی توان از حقوق بشر مرصوط به یک کشور یا جامعه سخن گفت. در مقابل این دیدگاه نیز پست مدرن ها یا تأکید بر مسائل منطقه ای و ویژگی های فرهنگی هر اجتماع، برای هر کس و هر جامعه ای نسخه خاص خود می پیچند.

جست و جوی جهانی برای آموزش و پرورش؛ گفت و گویی با «سر مایکل باربر»

آموزش رشته های فرهنگی، حیاتی است

• برگردان: مهدی بهلولی

سر مایکل باربر، در ۲۰ سال گذشته، در صف نخست اندیشه جهانی درباره آموزش و پرورش بوده است. او به عنوان مشاور آموزشی ارشد مؤسسه پیرسون کار کرده و بنیانگذار و رئیس سایت Delivery Associates است. باربر، در گذشته به عنوان رئیس تجربه جهانی آموزش و پرورش در مکین سی، مشاور نخست وزیر تونی بلر و کارشناس جهانی درباره بهسازی آموزشی و اجرای دگرگونی نظام آموزشی در مقیاسی بزرگ کار کرده است. افزون بر این، مشاور برخی حکومت ها در سراسر جهان بوده است. باربر در این گفت و گو، درباره آینده آموزش و پرورش و بازار کار، در گرمای خیزش فناوری اطلاعات و زمانه نوآوری بحث می کند. او امکانات تازه هوش مصنوعی را مورد توجه قرار می دهد و اینکه چگونه این هوش، شیوه ای که ما آموزش می دهیم و آنچه آموزش می دهیم را دگرگون می کند.

دگرگونی های گذشته در اقتصاد، درباره شغل های آینده، به ما چه می گویند؟

دگرگونی های اقتصادی مهم، طبیعت کار را دگرگون می کنند- همچنان که صنعتی شدن این چنین کرد. تغییر در طبیعت کار، هم اکنون سال هاست که دارد روی می دهد- تنها تفاوت این است که در این زمان، دگرگونی سریع تر شده است. این تغییر، یعنی فرصت های بزرگ برای کسانی که از آموزشی درست برخوردارند و تهدیدی مهم برای کسانی که آن را ندارند.

شما برای تعیین آنچه آینده شغل ها به نظر تان می رسد چه متغیرهایی را بررسی می کنید؟

تنها این نیست که چه پیشه هایی می مانند و چه پیشه های نمی مانند. یک نکته دیگر این است که چه بخش هایی از وظایف کنونی، خود کار خواهند شد و چه بخش هایی نخواهند شد. برای نمونه ما همچنان به پزشکان نیاز خواهیم داشت اما دستگاه های تشخیصی، اغلب درست و دقیق تر است می توان گفت.

آینده کار، چگونه روی این مسئله اثر می گذارد که ما چطور جوانانمان را تربیت کنیم؟

هر کسی به اینها نیاز خواهد داشت: استانداردهای بالا در آموزش های پایه، دانش خوب درباره تاریخ، علوم اجتماعی، ادبیات و علوم. دانش آموزان همچنین نیازمند اندیشیدن به روش های گوناگون (شخصی، استنتاجی، خلاقانه، تند، کند، باریک بینانه) هستند. افزون بر اینها، هر کس نیازمند یک چشم انداز اخلاقی و احساس شخصی می تواند زندگی برای باری کردن دیگران است. برای به وجود آوردن یک دگرگونی بزرگ، احتمالا باید روشی که ما دانش آموزان را با آن ارزشیابی می کنیم دستخوش دگرگونی چشمگیر شود.

آیا منش در سراسر جهان، از کار خلی می تمیز نشده است؟ آیا منش پروری (character education) مهم تر نیست؟ و آیا منش پروری هم اکنون وظیفه مدرسه هاست؟

آموزنده، بیش از هر زمان دیگری. به همین دلیل یک روش برای پاسخها، برای ارزش دروس خاص، به قوت خود باقی می ماند؛ حتی اگر در بازار کار به کنار رفته باشند؟

البته! آموزش و پرورش تنها درباره بازار کار نیست. تاریخ، موسیقی، تئاتر، ورزش و ادبیات باید به خاطر ارزش ذاتی خودشان- همچنین به خاطر نوری که به موقعیت های زندگی می تاباند و آنها را به پیش می برند و نیز برای دانشور شدن- دوست داشته و عشق ورزیده می شوند.

آیا منش در سراسر جهان، از کار خلی می تمیز نشده است؟ آیا منش پروری (character education) مهم تر نیست؟ و آیا منش پروری هم اکنون وظیفه مدرسه هاست؟

منش، انعطاف پذیری، رهبری، مهارت های ارتباطی، همدلی و... همه اهمیت دارند؛ اگر



فرهنگی [شامل ادبیات، تاریخ، فلسفه، هنر] حیاتی دانسته می شود یا بی ربط؟ همان گونه که گفتم آموزش رشته های فرهنگی، حیاتی است. آنها برای انسان شدن حیاتی اند. گذشته از این، من فکر می کنم که بحث آکادمیک- حرفه ای، بحثی بیپوده است. در همه گستره ها، ما می توانیم فرق بگذاریم میان نظر به کار بست آن- هر دو داشته اند.

۱۰ سال دیگر، یک کلاس درس سنتی چگونه است؟ چه تغییری کرده و چه چیزش ثابت مانده است؟ آنچه که واقعاً مهم است این است که دانش آموزان به آموزش فقط به عنوان آمادگی برای مرحله بعدی زندگی شان فکر نمی کنند. آنها باید خواهان «انجام کار زیبا» در طول روز هر روز باشند. کلاس ها و ساختارها، باید تغییر پذیر باشند.

منبع: سی.ام. روبین، هافتنینگتن پست ۱۱ می ۲۰۱۷

مدارس سبز در ایران سعی می کنند دانش آموزان بی علاقه به آموزش سنتی را به مدرسه رفتن علاقه مند کنند



اگر فکر کنیم که باید میان آموزگاران و هوش مصنوعی، دست به گزینش کنیم. بزرگترین اشتباه ما نیاز به هر دو داریم

بهرمان تدریجی طرح تحول سلامت، مدت هاست که آغاز شده است. نخست فرانشیز بستری افزایش یافت و هدف اصلی طرح که جز «کاستنن از پرداختی مردم» نبود، به حاشیه رانده شد. سپس گروهی از بیمه شده های بیمه رایگان سلامت از دایره رایگان آن طرد و ناچار به پرداخت حق بیمه شدند و پس از آن هم اعلام شد که بیمه شدگان این بیمه تنها می توانند در بیمارستان های دولتی از خدمات رایگان ارزان آن بهره بگیرند و این بیمه، مسئولیتی برای بستری شده های بیمارستان های دیگر ندارد. در روز هم طاهر موهبتی، مدیر عامل سازمان بیمه سلامت ایران، یکی از چالش های بیمه سلامت را تأمین منابع مالی دانست و گفت که «سازمان بیمه سلامت تاکنون مطالبات سال ۹۵ را از محل اعتبارات سال ۹۶ پرداخت کرده است، پس برای سال ۹۶ هشت ماه بدهی خواهیم داشت و تنها می توانیم چهار ماه را تسویه کنیم». او ادامه داد: «زبان انباشته ما در سال ۹۵ مبلغ ۴۴۰۰ میلیارد تومان بوده است. در عین حال مبلغ هزار میلیارد تومان هم وصول نشده داریم که به نظر می رسد با نبود پشتیبانی های لازم، زبان انباشته ما به ۷ یا ۸ هزار میلیارد تومان افزایش می یابد». او در نهایت اعتراف کرد: «اگر محدودیت منابع حل نشود به نظر می رسد که در ارائه خدمات مان دچار مشکل می شویم». از دیگر سوء دیروز وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، در حکمی علی اکبر حق دوست را به عنوان دبیر ستاد کشوری برنامه تحول نظام سلامت منصوب کرد. حق دوست پیش تر، در شهر یور ماه امسال هم به معاون برنامه ریزی راهبردی و هماهنگی این وزارتخانه منصوب شده بود. پیش از آن و در دولت پیشین هم او رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمان و یکی از مدافعان سرسخت طرح تحول سلامت بود. کارکنان چند بیمارستان کرمان در دوران ریاست او بر دانشگاه علوم پزشکی این استان، در اعتراض به پرداخت نشدن معوقاتشان، از جمله کارانه و اضافه کار، دست به تجمع در سازمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی کرمان زدند. همچون اتفاقی که دیروز و در دوران معاونت او، در نی، یز فارس رخ داد. دیروز ۲۲ پزشک شهرستان یک بیمارستان کرمان حاضر نشدند. آنان درست یک سال است که کارشان را رنگرفته اند و با حقوق ثابت ماهانه زندگی را گذرانده اند.

وزارت بهداشت البته برای بیش بردن این طرح، باید امیدوار به حل شدن بحران بدهی های تأمین اجتماعی هم بماند؛ چنانچه در حالی که همچنان و با پرداخت نشدن مطالبات تأمین اجتماعی از دولت، این سازمان ناتوان از پرداخت بدهی هایش مانده و بر بار آن افزوده می شود، در لایحه بودجه ۹۷ خبری از پرداخت بدهی دولت به صندوق تأمین اجتماعی نشده است. طرح تحول سلامت هر روز یک گام دیگر به پیش بینی منتقدانی نزدیک می شود که پیش از آغاز طرح، هشدار دادند که منابع مورد نیاز این طرح، ناپایدار و تأمین نشدنی است. اما صدایشان در هیاهوی نخستین روزهای اجرای طرح شنیده نشد.

کتک زدن یک دستفروش این بار در مشهد

شبهه این هفته فیلمی در شبکه های اجتماعی منتشر شد که نشان از برخورد خشنوت آمیز مأموران سدمعبر شهرداری مشهد با یک دستفروش است. شدت برخورد به حدی بوده که این دستفروش به بیمارستان منتقل شده است. این دستفروش روی پلی به نام «سجاد» در منطقه ۱۱ شهر مشهد در حال دستفروشی بوده که مأموران سدمعبر که بیش از سه نفر بودند، پس از ضربه و شتم دستفروش، ترازوی او را می شکندند و یکی از آنها در پاسخ به اعتراض عابری که خواسته بود جلوی این اتفاق را بگیرد، مدعی می شود که دستفروش «در حال فیلم بازی کردن» است.

در ادامه این فیلم مأموران شهرداری مشهد، دستفروش را کشتان کشتان از روی پله های برقی پل سجاد پایین می برند و به اعتراض افراد حاضر در محل هم توجهی نمی کنند. قاسم تقی زاده خلمس، شهردار مشهد در واکنش به این اتفاق به گفتن حرف های کلی مانند اینکه «برقاری نظم با قلدری و خشنوت امکان پذیر نیست» اکتفا کرده است.

تاریخ، علوم اجتماعی، ادبیات و علوم. دانش آموزان همچنین نیازمند اندیشیدن به روش های گوناگون (شخصی، استنتاجی، خلاقانه، تند، کند، باریک بینانه) هستند. افزون بر اینها، هر کس نیازمند یک چشم انداز اخلاقی و احساس شخصی می تواند زندگی برای باری کردن دیگران است. برای به وجود آوردن یک دگرگونی بزرگ، احتمالا باید روشی که ما دانش آموزان را با آن ارزشیابی می کنیم دستخوش دگرگونی چشمگیر شود.

آیا منش در سراسر جهان، از کار خلی می تمیز نشده است؟ آیا منش پروری (character education) مهم تر نیست؟ و آیا منش پروری هم اکنون وظیفه مدرسه هاست؟

منش، انعطاف پذیری، رهبری، مهارت های ارتباطی، همدلی و... همه اهمیت دارند؛ اگر

این دیوا اگر نابود نشود، انسان ها را به اسارت می کشد و سرنوشت کودکان بی گناه را دگرگون می کند.» از نوشته مدنی چنین برمی آید که در هامون صدای هیچ پرنده ای شنیده نمی شود. آبی نیست و تالابی و صید و شکار؛ تصویری غریب از برهوت ایران که از آذربایجان تا بلوچستان، از کردستان و خوزستان تا خراسان استمرار دارد.

رئیس اداره حفاظت محیط زیست مرویان با اشاره به آتش سوزی نیزارهای دریاچه زریوار، گفت: ساعت یک بامداد یک شنبه این آتش سوزی مهار شد اما متأسفانه طی این حادثه ۵۰ هکتار از نیزارهای دریاچه در آتش سوخت.

صباح پناهی، در گفت و گو با ایسنا، با اشاره به اینکه امسال صبح پنجم باری است که نیزارهای زریوار دچار آتش سوزی می شوند، افزود: متأسفانه عامل این آتش سوزی ها انسانی است زیرا تعدادی از اهالی روستاهای اطراف دریاچه معتقدند این نیزارها به ضرر دریاچه است و اقدام به آتش زدن آن می کنند. وی ادامه داد: آتش زدن نیزارهای دریاچه زریوار کاری اشتباه است، زیرا این دریاچه سرمایه ای ملی بوده و مأمون و پناهگاه گونه های گیاهی و جانوری بسیاری است که اگر این روال ادامه داشته باشد، اکوسیستم دریاچه را نیز دچار آسیب های جدی می کند. پناهی خاطرنشان کرد: در رابطه با آتش سوزی نیزارهای دریاچه زریوار امسال دو نفر شناسایی شده و به مراجع قضایی معرفی شده اند. وی سه نصب بنتر در سطح روستاهای اطراف دریاچه و فرهنگ سازی های لازم در این مورد اشاره کرد و یادآور شد: همچنین از ظرفیت ماموستاهای منطقه هم بهره گیری شده است که اهمیت حفظ دریاچه زریوار را برای مردم منطقه بیان کنند تا از تکرار حوادث این چنینی جلوگیری شود.

زریوار در یک دره طولی وسیع قرار دارد و ۲ طرف غرب و شرق با کوه های پوشیده از جنگل احاطه شده و پوشش غالب اراضی منطقه را جنگل و بیشه زارهای نیمه انبوه تشکیل می دهد که گونه غالب جنگلی آن بلوط ایرانی است.



همچنین معاون پژوهشی و آموزشی سازمان محیط زیست در سفری به استان سیستان و بلوچستان از وضعیت اسفبار دریاچه هامون گفت و روی دیگر تهاجم به پیکره زیستی و تالابی کشور را ترسیم کرد.

کاوه مدنی نوشت: در غم و رنج هامون بسیار روایت ها شنیده و دیده ام که در ساحل تالابی خشک، دلخوش به چند تاب و سرسره و یک تالاب خشک نبودم. من صیادانی را دیدم که قایق هایشان مثل بختشان گرگشته بود و در زیر نوشته «صید بی رویه- نابودی ذخایر» با سکوشتان در دشتان افرای می زدند. من کودکانی را دیدم که در معرض خطر قرار می دهد، تصریح کرد: محیط زیست باید با برخورد جدی و قاطع و تشدید نظارت مانع از کشتار پرندگان مهاجر در خوزستان شود و برخورد قانونی مناسب با متخلفان صید و عرضه غیرمجاز پرندگان را در دستور کار قرار دهد.